

- این نظریه، مردود شد: تنها قانون موفقیت در هر حوزه‌ای، مجموع ساعت‌هایی است که به تمرینات بسیار تخصصی در آن حوزه اختصاص داده است. این نظریه، بر قانون 10 هزار ساعت تا موفقیت تأکید می‌کرد.
- تمرین هدفمند: دستورالعمل دقیق + بازخورد آنی مربی + تمرین
- تقویت مهارت با صرف زمان بیشتر برای تمرینات تکنیکی اتفاق می‌افتد.
- راز موفقیت تایگر وودز: تمرینات هدفمند از سن کم.
- ملاک متخصصان تازه‌کار این است که بعد از دانشگاه برای انتخاب مسیر زندگی، از تخصص‌شان کسب درآمد کنند.
- ملاک متخصصان کهنه‌کار این است که بعد از دانشگاه برای انتخاب مسیر زندگی، شغل‌شان با مهارت و توانمندی‌شان همخوانی داشته باشد.
- متخصصان کهنه‌کار، عمق را فدای وسعت می‌کنند؛ یعنی علاقه و تجربه‌شان را وسعت می‌دهند تا به موفقیت برسند.
- عمق، در درازمدت سرخوردگی می‌آورد.
- افزایش وسعت شخصی و حرفه‌ای زمان‌بر است و برای دستیابی به آن، باید قید شروع زود هنگام را زد؛ اما می‌ارزد.

برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین جمله

[کلیک کنید.](#)

- تخصص عمیق‌تر، یعنی افزایش تنگ‌نظری.
- بهترین نوع یادگیری آن است که به آهستگی صورت می‌گیرد و نتیجه آن، دانش‌اندوزی ماست. حتی اگر این امر باعث عملکرد ضعیف در آزمون‌هایی شود که برای سنجش پیشرفت‌های فوری طرد می‌شده است.
- مؤثرترین نوع یادگیری، ناکارآمد است؛ چون فرد را عقب می‌اندازد.
- جوانان باهوش‌ترند؛ اما احتمال راه‌اندازی شرکت فناوری موفق توسط یک فرد 50 ساله، دوبرابر یک جوان 30 ساله است.
- میانگین سنی بنیانگذاران استارت‌آپ‌هایی که بیشترین رشد را داشته‌اند، 45 سال بوده است.
- تخصص یعنی دیدن بخش کوچکی از یک پازل بزرگ.

- تخصص‌گرایی، یعنی حفر سنگرهای موازی.
- پژوهش بیماران قلبی: آن دسته از بیماران قلبی که در زمان برگزاری یک نشست ملی قلب و عروق در مراکز درمانی پذیرش می‌شوند، احتمال اینکه جان خود را از دست بدهند، کمتر است. یعنی دقیقاً زمانی که هزاران متخصص قلب و عروق، به دلیل حضور در نشست، سر کار خود حاضر نیستند! متخصصان اظهار کردند که این امر می‌تواند به این دلیل باشد که در این مواقع، درمان‌های متداول با اثرگذاری‌های نامشخص، کمتر انجام می‌شود.
- شروع زودهنگام تمرینات هدفمند در رشته‌هایی مثل شطرنج و گلف جواب می‌دهد؛ چون خوش‌قلق‌اند.
- گری کلین این نظریه را داد که گاسپاروف و آتش‌نشان‌ها و افسران ارشد نیروی دریایی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را در چند لحظه اول انجام می‌دهند. آن‌ها تصمیمات آنی می‌گیرند. تصمیم‌گیری براساس میانبرهای ذهنی و سوگیری‌ها صورت می‌گیرد.
- دنیل کانمن نظریات کلین را رد کرد و گفت: تجربه، اعتمادبه‌نفس را بالا می‌برد، نه مهارت را.

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین**

**جمله کلیک کنید.**

- گسست بین داده‌های آماری و بینش اطمینان‌بخش، از اکتشافات کانمن بود.
- کانمن: تکرار منجر به یادگیری نمی‌شود.
- شطرنج، گلف و آتش‌نشانی استثنا هستند.
- حوزه‌های خوش‌قلق = حوزه‌های برخوردار از قواعد آماری باثبات هستند و انعطاف‌پذیری را کم می‌کنند.
- جبهه‌گیری شناختی = خلاقانه عمل کردن برای یافتن بینش.
- یادگیری خوش‌قلق، در محیط خوش‌قلق صورت می‌گیرد.
- در یادگیری بدقلق، محیط‌های بدقلق، الگوهای قبلی را به هم می‌زنند.
- پارادوک موراکو از شکست گاسپاروف از رایانه دیپ بلو نتیجه گرفت: ماشین‌ها و انسان‌ها، غالباً ضعیف‌ها و قوت‌های متضاد دارند.
- ذهن، قطعه‌بندی می‌کند، نه پیش‌بینی (chinking)؛ یعنی مجموعه‌ای از اتفاقات و حرکت‌ها را معنا می‌کند.
- قطعه‌بندی نتیجه تکرار است.

- ساوان‌ها (اوتیسمی‌های نابغه) در موضوعات مختلف از الگوهای تکراری بهره می‌گیرند.
- ادغام الگوهای زیاد، ویژگی انسانی است.
- توانایی ادغام گسترده، برتری انسان است به ماشین. ( اگر چند بار شکست بخوری، راه پیروزی را پیدا می‌کنی).
- سیستم‌های هوش مصنوعی به ساختارهای معین و جهان محدود نیاز دارند.
- تخصص محدود + حوزه بدقلق + اتکا به تجربه الگوهای آشنا، فاجعه می‌آفریند.
- یادگیری تک‌حلقه‌ای = تأیید اولین راه‌حل آشنا.
- کریستوفر کانولی، مؤسس مرکز مشاوره، پژوهشی روی افراد موفق درجه 1 و ورزشکاران تراز اول انجام داد. او دید که بعضی از این افراد در خارج از حوزه محدود خودشان، دست‌وپا چلفتی هستند و بعضی نوآور.

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین**

**جمله کلیک کنید.**

- موفق‌ها چندشغلی هستند و وسعت عمل دارند. آن‌ها مدارشکن هستند.
- جیمز فلین از دانشگاه اوتاگو از شهر دونیدن نیوزلند، آزمون ریون را برگزار کرد. کار این آزمون، بررسی افزایش بهره هوشی نسل‌ها بود. نسل‌های جدید باهوش‌ترند.
- روستائیان، رنگ‌ها، اجسام و آدم‌ها را «گروه‌بندی» می‌کنند.
- گروه‌بندی، مبتنی بر درک و دیده‌های زندگی روزمره است.
- خطای دید ابینگ‌هاوس ثابت کرد، آموزش بیشتر، کل‌نگری بیشتر می‌آفریند.
- مدرنیته باعث می‌شود، تفکر انتزاعی بالا برود و اتکاء به تجارب عینی خویش پایین بیاید.
- ویژگی‌هایی که در دانشجویان باعث گرفتن نمرات خوب می‌شود، شامل توانایی‌های حیاتی و مهمی نیست.
- دانشگاه، تخصص‌گراست.
- فلین معتقد است همه باید تفکر و عمل میان‌رشته‌ای داشته باشند.
- دانشجویان باید فکرکردن را بیاموزند، قبل از اینکه به آن‌ها دیکته شود به چه چیزی فکر کنند.
- در دانشگاه واشنگتن، چرندیات‌شناسی آموزش می‌دهند.
- جنت وینگ، استاد علوم رایانه در دانشگاه کلمبیا و معاون پژوهشی مایکروسافت، تفکر رایانشی را به‌عنوان ابزار جایگزین ذهنی مطرح کرد، در مقابل آموزش حرفه‌ای محدود.

مهارت استدلال مفهومی، ابزاری است برای پیوند دادن ایده‌ها و کارهای نو در زمینه‌های مختلف.

• وقتی در حال بداهه‌نوازی هستید، مغز شما بخش انتقاد از خود شما را خاموش یا تعطیل می‌کند.

• یادگیری بداهه مثل کودک = اول حرف‌زدن، بعد یادگیری دستور زبان!

پرورش خلاقیت شاید سخت باشد؛ اما کشتن آن نه!

سچینی، موسیقی‌دان: یادگیری خودآموخته را پیش بگیرید.

• ابزار حل مسائل بدقلق: تفکر تمثیلی.

• تفکر تمثیلی: عملی است برای تشخیص شباهت‌های مفهومی بین حوزه‌های مختلف.

جزئیات بیشتر، یعنی: قضاوت خوش‌بینانه افراطی‌تر که باعث تمرکز روی جزئیات بیشتر می‌شود!

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین**

**جمله کلیک کنید.**

• استفاده از تمثیل‌های زیاد، راه برون‌رفت از درون‌نگری به سمت برون‌نگری است.

• همیشه سرمایه‌گذاران هر پروژه، موفقیت خودشان را بیشتر از واقعیت ارزیابی و پیش‌بینی می‌کنند.

• برون‌نگری: توجه به علاقه شما، نه به شباهت شما (پژوهش نتفلیکس).

• کار در دنیای بدقلق: دادن اجازه جولان به شهود گزینه‌های زیاد.

• تمثیل بیشتر = خلاقیت بیشتر

• تمثیل دورتر = ارائه راهبرد بیشتر

• وقتی همه اعضای یک مجموعه، آزمایشگاه دانش یکسانی داشته باشند، به مشکل برمی‌خورند.

• اطلاعاتی که گروهی از افراد با ذهنیت مشابه برای به‌کارگیری تمثیل ارائه می‌دهند، به اندازه یک نفر است!

• عمیق یعنی: شروع زود هنگام و تخصص‌گرایی محدود که راهبرد بدی در بلندمدت است.

• وسیع یعنی: برخورد با مسائل واقعی و حل آن‌ها که راهبرد خوبی است برای درازمدت.

• هرچه فرد یادگیرنده به جواب غلط خودش مطمئن‌تر باشد، بعد از فهمیدن جواب درست، اطلاعات بهتری در ذهنش می‌ماند.

• تاب‌آوردن در اشتباهات بزرگ = ایجاد بهترین فرصت‌ها برای یادگیری.

- آموزش به همراه راهنمایی به یادگیری ماندگار منجر می‌شود.
- آموزش بدون راهنمایی، کند و پرخطاست.
- فاصله‌گذاری یا تمرین پراکنده: فاصله‌گذاشتن بین جلسات تمرین روی موضوع آموزشی یکسان.
- فاصله‌گذاری بین جلسات تمرین، دشواری‌هایی می‌آفریند که یادگیری را تقویت می‌کند. این در یادگیری زبان آزموده شد.
- فاصله‌گذاری: آموزش فوری + 15 ثانیه + حل مسئله.
- راهنمایی آنی، یادگیری کم‌دوام ایجاد می‌کند.
- سهولت، نشانه یادنگرفتن است، نه ناکامی.
- بهترین نوع یادگیری، یادگیری کند است.
- بهترین نوع سوالات، برقراری ارتباطات است.

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین**

**جمله کلیک کنید.**

- دانشجوی‌های شما در مدل یادگیری کند، شما را مجازات خواهند کرد!
- دشواری‌های مطلوب، از دیدگاه رابرت بیورک در سال 1994 مطرح شد.
- تمرین بسته: تمرین یک کار است به صورت پیوسته.
- تمرین ناپیوسته: تمرین در موقعیت‌های گوناگون = استدلال استنتاجی.
- مقایسه دانشگاه و مدرک با تخصص و رشته‌ای که دانشجویان در آینده ادامه می‌دادند، نشان داد: دانشجویانی که متمرکز می‌شدند، مهارت بیشتری کسب می‌کردند که آن‌ها را برای موقعیت‌های شغلی بهتر آماده می‌کرد. دانشجویانی که مشغول آزمودن می‌شدند و دیرتر روی یک رشته تمرکز می‌کردند، با مهارت‌های کمتری در رشته انتخابی‌شان وارد بازار کار می‌شدند، اما درک بهتری داشتند از نوع کاری که با توانایی‌ها و تمایلاتشان سازگار بود.
- سود ارتقای کیفیت تطبیق، بیشتر از ضرر کمبود مهارت‌هاست.
- یادگیری موضوعات مختلف از خودشناسی اهمیت کمتری دارد.
- تغییر زمینه کاری برای افراد حرفه‌ای، ایده خوبی است.
- بخش زیادی از مهارت‌هایتان را از دست می‌دهید و ممکن است ضربه بخورید؛ اما پس از تغییر میزان رشدتان، واقعاً بیشتر می‌شود.

انسان‌های تغییرپذیر، برنده‌اند.

- وقتی شکست می‌خوریم که بچسبیم به کارهایی که دل و جرئت رهاکردن آن‌ها را نداریم.
- استقامت در برابر دشواری‌ها برای هرکس که مسیری طولانی پیش رو دارد، مزیتی رقابتی است.

- چرا تغییر؟ به دلیل نبود استقامت، به دلیل وجود گزینه‌های بهتر

یادگیری سریع و آسان یا یادگیری بادوام و منعطف؟

- آزمون گرفتن از فرد به منظور یادگیری؛ از جمله آزمون گرفتن از خود، قبل از دادن اطلاعات، بسیار سودمند است.
- حتی آزمون پیش از مطالعه هم سودمند است، تا وقتی که جواب‌های غلط مشخص شوند.
- تلاش برای بازیابی اطلاعات ذهن را برای یادگیری بعدی آماده می‌کند، حتی اگر خودبازیابی موفق نباشد.

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین**

**جمله کلیک کنید.**

- تمرین ناپیوسته فرد را در مورد میزان پیشرفتش فریب می‌دهد!
- ناپیوستگی، چه در فعالیت‌های ذهنی و چه در فعالیت‌های بدنی، توانایی انتخاب استراتژی مناسب برای هر مسئله را بهبود می‌بخشد.
- مهارت‌های باز، مهارت‌هایی هستند که با تکرار حاصل می‌شوند و همه ممکن است به آن دست یابند.

مهارت‌های بسته: چگونگی استخراج سرنخ‌ها و مفاهیم با چینش سرنخ‌ها.

- افکار روستائیان پیشامدرن به تجربیان خودشان محدود است؛ اما ذهن‌های مدرن، بازند.
- تخصص‌گرایی ما را از تفکر انتزاعی دور می‌کند.
- بعضی سیستم‌ها به ما جرئت تغییر و جرئت و باور استقلال و رفتن می‌دهند.
- اینکه یک افسر جوان تغییر مسیر می‌دهد و ارتش را رها می‌کند، نشانگر از دست رفتن انگیزه‌اش نیست؛ بلکه به معنای انگیزه‌ای قدرتمند برای توسعه فردی اهداف آن افسر را تغییر داده است.

انتخاب یک هدف متفاوت نشانه نبود ثبات قدم نیست؛ نشانه هوشمندی است.

- طبق نظرسنجی گالوپ از بین 200 هزار شغل در 150 کشور دنیا، 85 درصد افراد یا هیچ ارتباطی با کارشان برقرار نمی‌کنند، یا عملاً علاقه‌ای به آن ندارند.
- مغالطه هزینه بی‌بازگشت = وقتی برای کاری یا... هزینه می‌کنی، آن را رها نمی‌کنی، حتی وقتی سودی برای تو ندارد!
- برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت = به اولین کار بچسب و انجامش بده، در مسیر اصلاحش کن و ارتقائش بده.

برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین جمله

[کلیک کنید.](#)

- فیل نایت، بنیانگذار نایک: انتخاب اهداف کوتاه‌مدت برای کسب تجربه
- اوگاس: قرارداد متعارف‌سازی = به‌جای انتخاب راه‌های سخت کشف خویش، به انتخاب اهداف کوتاه‌مدت و اجرای آن‌ها پرداز. خودت را هم خواهی شناخت!
- متعهد شدن به کاری پیش از شناخت خویش و آن، غلط است.
- مهم‌ترین تغییرات شخصیتی بین 18 سالگی و اواخر 20 سالگی رخ می‌دهند.
- تخصص زودهنگام مثل پیش‌بینی کیفیت تطبیق کسی است که هنوز وجود ندارد!
- اوگاس و رز، «اصل زمینه» را مطرح کردند: اگر فردی را در محیطی که با آن سازگار است قرار دهید، احتمال اینکه از خود سخت‌کوشی نشان دهد، بیشتر از تسو از بیرون به نظر می‌رسد که ثبات قدمش زیاد است.
- ایپارا: اول دست به کار شوید، بعد فکر کنید!
- ایبارا: به‌جای «من واقعاً می‌خواهم چه کسی شوم؟»، از خودت بپرس: «از میان خویشتن‌های مختلف، کدام را انتخاب کنم؟ چگونه؟»
- وقتی بفهمید کی هستید، کار را انجام نمی‌دهید. وقتی کارتان را ببینید، می‌فهمید چه کسی هستید.
- راه پیدا کردن استعداد = آزمودن‌های مختلف
- هرچه یک مسئله برای وکلا و دندانپزشکان و مکانیک‌ها جذاب‌تر بود، احتمال اینکه حل شود، بیشتر می‌شد.
- تفکر برون به درون = پیدا کردن راه‌حل در تجربیاتی بسیار متفاوت از آموزش‌هایی که روی خود مسئله متمرکز است.



- هرچه مسئله با تخصص فرد ارتباط کمتری داشته باشد، احتمال اینکه او آن مسئله را حل کند، بیشتر خواهد بود.
  - برای دشوارترین مسائل، راه‌حلهایی که با توجه به حوزه مرتبط طرح می‌شوند، ناکارآمدترند.
- تفکر جانبی، یعنی بازنمایشی اطلاعات در بافتارهای جدید

- بین هزینه‌های تحقیق و توسعه و کارایی، رابطه آماری معناداری وجود ندارد.
- کارایی یعنی رشد فروش، سود حاصل از فناوری، بازده سهامداران و سرمایه‌گذاری
- چِشْمِری سِت: شخصیت دارای وسعت، آشکل و شخصیت عمیق، اشکل است. آشکل به راحتی می‌تواند برود پیش اشکل و هرچه را می‌خواهد، یاد بگیرد.
- در موقعیت‌های بدون قطعیت، وسعت مهم است.
- تیلور و گریو: در فرایند توسعه محصول، تخصص‌گرایی می‌تواند زیانبار باشد.

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین**

**جمله کلیک کنید.**

- غالباً بین تصور پیش‌بینی‌کننده‌ها درباره اینکه چقدر خوب پیش‌بینی می‌کنند و عملکردشان در واقعیت، رابطه‌ای معکوس و عجیب وجود دارد.
- همچنین، بین شهرت و درستی، رابطه‌ای معکوس و معیوب وجود دارد.
- هرچه احتمال ظهور پیش‌بینی‌های یک کارشناس در صفحات نخست روزنامه‌ها و تلویزیون بیشتر شود، احتمال اینکه همیشه اشتباه کند، بیشتر می‌شود؛ به اندازه احتمال موفقیت یک شامپانزه در پرتاب دارت!
- روباه‌صفت‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها خود به تنهایی تحسین‌برانگیز بودند؛ اما در کنار هم، نمونه‌ای از ایدئال‌ترین تیم‌ها را تشکیل می‌دادند: آن‌ها از مجموع موفقیت اعضا هم بیشتر موفق شدند، خیلی بیشتر!
- ویژگی‌های پیش‌بینی‌کننده‌های روباه‌صفت: باهوشی، دارای وسعت بودن، کنجکاوی درباره همه چیز.
- داشتن تخصص درباره یک موضوع، بیشتر مواقع، باعث موفقیت در پیش‌بینی‌ها نمی‌شود.
- وقتی در یک حوزه خاص بیش‌ازحد متمرکز شده باشید، نمی‌توانید به چشم‌انداز درستی دست بیابید.



- ویژگی بارز در بهترین تیم‌ها، آزاداندیشی فعال است که جاناتان بارون آن را مطرح کرده است.
- بهترین پیش‌بینی‌کنندگان ایده‌های خود را فرضیاتی می‌دانند که باید آزمایش شوند. هدف آن‌ها این نیست که هم‌تیمی‌های خود را متقاعد کنند که خبره‌اند؛ بلکه هم‌تیمی‌هایشان را تشویق می‌کنند که به آن‌ها کمک کنند تا متوجه نادرستی ایده‌هایشان شوند.
- هرچه زمان بیشتری صرف یک موضوع کنید، خاریشت‌صفت‌تر می‌شوید.
- هرچه کنجکاوی علمی کمتری داشته باشید، خاریشت‌صفت‌تر می‌شوید.
- تتلاک می‌گوید: نحوه‌ی اندیشیدن شماست که مهم است، نه آنچه به آن می‌اندیشید!
- هرچه آزاداندیشی بیشتری داشته باشید، روباه‌صفت‌تر می‌شوید.
- هیچ‌یک از این نکته‌ها به این معنا نیست که وجود متخصصان خاریشت‌صفت غیرضروری است. آن‌ها دانش اساسی را تولید می‌کنند.

**برای دیدن مقاله مرتبط با این کتاب در کتابفروشی اینترنتی جریان کتاب، روی همین جمله**

**کلیک کنید.**

- خاریشت‌صفت‌ها تمایل دارند که از پس پیچیدگی‌ها، قاونین ساده و قطعی علت و معلولی را ببینند که در چهارچوب حوزه تخصصی‌شان است، مانند الگوهای تکرارشونده در شطرنج.
- روباه‌صفت‌ها در آنچه دیگران با یک رابطه علت و معلولی ساده اشتباه می‌گیرند، پیچیدگی می‌بینند. آن‌ها می‌دانند که بیشتر روابط علت و معلولی، احتمالی‌اند، نه قطعی.
- روباه‌صفت‌ها می‌دانند که در محیط یادگیری بدقلق فعالیت می‌کنند، جایی که در آن درس گرفتن چه از پیروزی‌ها و چه از باخت‌ها، بسیار دشوار است.
- در حوزه‌های بدقلق که به صورت خودکار بازخورد اعمال خود را نمی‌بینیم، تجربه به‌تنهایی نمی‌تواند عملکردمان را بهبود ببخشد، عادت ذهنی کارآمد اهمیت بیشتری دارند و می‌توان آن‌ها را توسعه داد.
- گاهی برای یادگیری، باید تجربه را کاملاً کنار گذاشت.
- ویک می‌نویسد: رهاکردن ابزار، نماد سازگاری، انعطاف‌پذیری و از یاد بردن آموخته‌هاست.
- سازمان‌ها نباید به روش‌های اطمینان‌بخش پایبند بمانند.
- رهاکردن ابزار برای ما، به صورت ناخودآگاه به این معناست که کنترل اوضاع از دست ما خارج شده است.

**کلیک کنید.**

- فرهنگ «ما می‌توانیم» باید تبدیل شود به فرهنگ «چاره‌جویی».
- اگر احساس کنم داده‌ای برای دفاع از نظرم ندارم، نظر رئیس از نظر من بهتر است.
- تأثیرگذارترین هبران و سازمان‌ها دارای وسعت بودند و عملاً رویکردهایی ضدونقیض داشتند. آن‌ها می‌توانستند همزمان، هم سخت‌گیر باشند، هم حمایتگر، هم قاعده‌مند و هم ریسک‌پذیر و حتی هم سلسله‌مراتبی باشند و هم فردگرا.
- فلیپ و باربارا ملرز نشان داده‌اند که متفکرانی که ابهام را تاب می‌آورند، بهترین پیشگویی‌ها را انجام می‌دهند.
- به نسخه‌ای مشابه استاد راهنمای خود تبدیل نشوید. مهارت‌های خود را در جایی به کار ببندید که فعالیت‌های متفاوتی انجام می‌شود. مهارت‌های خود را روی مسئله‌ای جدید به کار گیرید. یا مسئله خود را با مهارت‌های کاملاً جدید بررسی کنید.
- کار تفریحی و سرسری، باید به فرهنگ رکن فرهنگی در شرکت‌ها تبدیل شود.

جریان کتاب